شناسایی مؤلفه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان کلاس‌های چندپایه

محرمعلی خدابنده[1]، مهیا خدابنده[2]، فائزه اسد زاده[3]، نیلوفر نیازی[4]

۱. مدرس دانشگاه پیام نور مرکز نقده، آذربایجان غربی، ایران.(نویسنده مسئول).
۲. دانشجو معلم فرهنگیان، واحد ارومیه، آذربایجان غربی، ایران.
۳. دانشجو معلم فرهنگیان، واحد ارومیه، آذربایجان غربی، ایران.
۴. دانشجو معلم فرهنگیان، واحد ارومیه، آذربایجان غربی، ایران.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره هشتم، شماره سی‌ویک، پاییز ۱۴۰۵، صفحات ۹۷-۹۲

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی و اعتبارسنجی مؤلفه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان کلاس‌های چندپایه دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان بود. جامعه آماری پژوهش را آموزگاران دارای سابقه تدریس در کلاس‌های چندپایه روستایی تشکیل دادند که بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۱۰۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها، از پرسش‌نامه محقق ساخته ۲۰ گویه‌ای مشتمل بر ابعاد چهارگانه (مهارت کلامی، مهارت غیرکلامی، مهارت بازخورد و مهارت خودافشایی) استفاده شد. روایی محتوایی و صوری ابزار به تائید متخصصان حوزه علوم تربیتی رسید و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۸۱/۰ برآورد گردید. داده‌ها با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و آزمون تی تک‌نمونه‌ای تحلیل شدند. نتایج نشان داد میانگین تمامی مؤلفه‌های شناسایی‌شده از نمره ملاک (میانگین فرضی ۳) به‌طور معناداری بالاتر است؛ ازاین‌رو، مؤلفه‌های مذکور به‌عنوان مؤلفه‌های معتبر و کلیدی در فرایند توسعه حرفه‌ای معلمان کلاس‌های چندپایه تائید شدند.

واژگان کلیدی: مهارت کلامی، مهارت غیرکلامی، مهارت بازخورد و مهارت خود افشایی، آموزگاران، دانش‌آموزان.

مقدمه

با اندکی مطالعه در سابقه تعلیم و تربیت می‌توان دریافت قدمت وجود کلاس‌های چندپایه به آغاز تعلیم و تربیت گروهی می‌رسد زیرا که تا قبل از ایجاد تغییرات کمی و کیفی در آموزش‌وپرورش به شیوه جدید تعلیم و تربیت کدام‌یک و برنامه‌ریزی‌شده با قالب امروزی امر آموزش و تعلیم و تربیت متناسب با نیازها و ارزش‌ها رایج هرزمان و تحت تأثیر و سیطره حکومت، نظام‌ها، جوامع، فرقه‌ها و حتی خانواده‌ها به طرق مختلف جریان داشته است. در زمان گذشته آموزش‌وپرورش جهان‌شمول نبود و بیشتر فرزندان خواص را زیرپوشش قرار می‌دادند؛ و در هر منطقه یا محدوده جغرافیایی فرقه‌ای و حکومتی متفاوت بوده و از انسجام کامل برخوردار نبوده است. تعداد دروسی که شاگردان برای طی مدارج تحصیلی دوره خاص می‌گذراندند بسیار محدود بوده و در اکثر موارد محل خاصی برای تشکیل کلاس درس وجود نداشت و در هر شرایط جلسات درس برگزار می‌شد. شاگرد مکتبی بود که حق کسی ضایع نمی‌شد و هرکس بسته به استعداد و توانایی خود پیشرفت می‌کرد (معیری، ۱۳۷۷). وجود کلاس‌های چندپایه به‌صورت یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر همه‌جا مشهود بوده است زیرا که محدودیت تعداد معلم و مقید نبودن زمان شروع و اختتام تحصیل و ایجاد فرصت‌های پیشرفت فردی برای هر محصل چنین کلاس‌های که عملاً ایجاب می‌گردد اتفاقاً گاهی نتایج مطلوبی نیز ببار می‌آورده است. تدریس و تعلیم و تربیت به لحاظ وسعت دامنهٔ فعالیت و شمول عامی که پیداکرده ظاهراً اهمیت خود را به‌عنوان یک فنی و یا هنر در اذهان و قضاوت‌ها و برداشت‌ها ازدست‌داده و گاهی کار تا به آنجایی اعتبار گشته که هرکسی در هر شرایط به خود اجازه می‌دهد در این امر خطیر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم دخالت و یا فعالیت نماید. کلاس‌های چندپایه، که در آن‌یک معلم در چندپایه تدریس می‌کند، روشی مؤثر برای افزایش دسترسی به آموزش در مناطق روستایی است (حیدری، ۱۳۸۷).

عصر حاضر با چالش‌های پیچیده و بسیار در جامعه نحوه انجام کار برقراری ارتباط دیگران و نحوه یادگیری ما را تحت تأثیر قرارداده است. عامل اصلی و تازه در این تغییرات افزایش نقش بنیادی اطلاعات و دانش است. جامعه اطلاعاتی، جامعه دانش و جامعه یادگیری اصطلاحاتی برای معرفی این دوره هستند. در پیوند بین جامه و دانش یادگیری عامل اصلی است. باوجود اهمیت تولید و توزیع دانش در جریان انتقال تاریخ انقضایی دارد که بر توسعه حرفه‌ای و تمرین معلمی تأثیرگذار است. تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نه‌تنها بر دنیای اطراف معلم تأثیر می‌گذارد بلکه باعث تغییر دانش‌آموزان، معلم و ابزارها و وسایل مورداستفاده برای تدریس می‌شود در زمان حاضر معلمان باید دانش خود را در مورد تغییرات مداوم در فرایند یاددهی یادگیری دوباره خلق کنند (وایلانت، ۲۰۰۷؛ به نقل از حسن نژاد، ۱۳۹۴). تعلیم و تربیت، سرمایه نسل امروز و آینده ما است. سرمایه‌ای که نمی‌توان قیمتی بر آن نهاد و همان چیزی است که بشر را از تاریکی و جهل به عصر روشنایی سوق داده است؛ از طریق آن می‌توان کیفیت و سلامت زندگی را بهبود ببخشید و به جامعه‌ای منصفانه‌تر پیشرفته‌تر و ملتی سالم‌تر دست‌یافت (یونسکو، ۱۹۹۸؛ به نقل از رئوف، ۱۳۸۹). انسان عامل آفرینندگی توسعه و هم هدف توسعه است و نهاد آموزش‌وپرورش یکی از ارکان مهم توسعه جوامع بشری است. آموزش‌وپرورش کلید فتح آینده است و از دیرباز انتظار از آموزش‌وپرورش آن بود که انسان‌های فردا را تربیت کند و نسل امروز را برای زندگی در جامعه فردا آماده سازد؛ بنابراین ضرورت دارد سیاست‌گذاران و برنامه ریزان آموزشی، مسئولان آموزش‌وپرورش و معلمان مقتضیات زندگی فرد را بشناسند تا بتوانند آمادگی دانش و بینش و مهارت لازم را در کودکان و جوانان برای فعالیت در جامعه فردا به نحو مطلوب پرورش دهند (عصاره و رز، ۱۳۹۳). در جمهوری اسلامی ایران، نظام تعلیم و تربیت نهاد سازمان‌یافته‌ای است که به‌عنوان مهم‌ترین عامل انتقال بسط و اعتلا فرهنگ در جامعه مسئولیت فراهم آوردن زمینه نظام‌مند و عادلانه کسب آمادگی فراگیران جهت تحقق مرتبه‌ای از حیات انسانی یا حیات طیبه را بر عهده دارد. حیات طیبه وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد زندگی شرافتمندانه همراه با قناعت و خشنودی است (شورای

عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). علی‌رغم آنچه درباره عوامل اثرگذار بر فرایند یاددهی و یادگیری گفته می‌شود مطالعات اخیر درباره نقش معلم در آموزش همه بر این نکته تأکیددارند که کیفیت تدریس معلم مهم‌ترین عامل اثربخش در یادگیری دانش‌آموز است. پژوهش‌ها نشان دادند که دانش‌آموزانی که از یک آموزگار خوب و تأثیرگذار سود می‌برند، عملکرد علمی قوی‌تری نسبت به دانش‌آموزانی که آموزگار آن‌ها ضعیف‌تر بود دارند. طبق آنچه در یافته‌های پژوهشی عنوان‌شده است تأثیرگذاری آموزگاران بر آموزش کودکان چنان قوی است که تنها گوناگونی در کیفیت آموزشی آموزگاران می‌تواند سبب ایجاد تفاوت‌های عظیم در عملکرد کودکان با بافت های اقتصادی و اجتماعی متفاوت گردد (دارلینگ هامند، ۲۰۰۳). توسعه حرفه‌ای معلمان محور اصلی طرح‌های اصلاحی منظم (شیلدز و همکاران، ۱۹۹۸) و حرفه‌ای شدن معلمان موضوع موردبررسی بسیاری از مطالعات بوده است ازجمله (کورتاگن، ۲۰۰۰؛ بوی و همکاران، ۲۰۱۹؛ کونس و همکاران، ۲۰۱۹)؛ اگرچه توسعه حرفه‌ای به‌عنوان پژوهش در عمل موضوع جدیدی نیست و ریشه‌های آن را می‌توان در نوشته‌های (دیویی، ۱۹۳۰؛ به نقل از کراکت، ۲۰۱۳) یافت اما بیشتر بر مبنای این الگوی آموزشی که معلمان به شکل ضمنی دارای کمبود مهارت و دانش‌اند توسعه‌یافته است (گاسکی، ۱۹۸۶). هدف اصلی توسعه حرفه‌ای کمک به معلمان برای تبدیل‌شدن به معلمانی بهتر (بلزر، ۲۰۰۳)، ارتقای سطح صلاحیت و شایستگی آنان (بورگ، ۲۰۱۸) و کمک به پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان است (گاسکی، همکاران ۲۰۱۹). برنامه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان را با مهارت‌ها و تکنیک‌های جدید یا بهبودیافته برای دستیابی به نتایج بهتر برای دانش‌آموزان و کمک به خود معلمان آشنا می‌سازد و به‌منظور افزایش اعتمادبه‌نفس آنان و ارتقای سطح توانایی‌های آموزشی آنان اجرا می‌شود (کیلیون، ۲۰۰۲). فعالیت‌های موفقیت‌آمیز توسعه حرفه‌ای سبب تغییر در شیوه‌های کلاس داری عملی و شیوه‌های تدریس معلمان (سیمونسن و همکاران، ۲۰۱۷)، تغییر در باورها و نگرش آنان، تغییر در نتایج یادگیری دانش‌آموزان و تغییر در دانش و مهارت معلمان (آیزن، ۱۹۹۱) می‌شود. بخت آزمای بخشایش (۱۳۹۳)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی راه‌کارهای بهبود کیفیت آموزشی در کلاس‌های چندپایه نشان می‌دهد که تربیت و یادگیری در کلاس‌های چندپایه به دلیل کمبود وسایل آموزش، مناسب نبوده و مدت‌زمان اختصاص‌یافته برای هر پایه از وضعیت مطلوب برخوردار نیست. نعمت‌اللهی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان" آموزش ابتدایی و کلاس‌های چندپایه " در به این نتایج رسید که این کلاس‌ها برای فراهم کردن دوره‌ی کامل آموزش ابتدایی با افزایش میزان دست‌یابی به هدف‌های آموزش در مناطق دورافتاده و کم‌جمعیت و روستاهایی که تعداد دانش آموزان کمتری دارند مناسب‌تر می‌باشند. بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص میزان دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های آموزشی–شغلی معلمان بیانگر این واقعیت است که تسلط همه‌جانبه معلمان در زمینه‌های تربیتی و تخصصی حرفه خویش به میزان مطلوب فراهم نیست (عصاره و رزی، ۱۳۹۳)؛ و توسعه حرفه‌ای معلمان به شکل کنونی تأثیر خیلی کمی بر روش‌های تدریس، سازمان‌دهی مدارس و برنامه‌های درسی و آنچه دانش‌آموزان باید یاد بگیرند داشته است. با توجه به واقعیت‌های تلخ و معضلاتی که در امر آموزش کشورهای درحال‌توسعه و ازجمله میهن اسلامی‌مان وجود دارد به نظرم اهمیت و ضرورت بررسی مدارس چندپایه بر اساس توسعه حرفه‌ای معلمان لازم و ضروری است؛ و با توجه به اینکه رسیدن به اهداف غائی تعلیم و تربیت مدارس را تسریع گردد و همچنین روش‌هایی اتخاذ گردد که خلاقیت و ابتکار در فراگیران رشد یابد، یادگیری را تسهیل کند، وحدت و مشارکت بین معلمان و دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی افزایش‌یافته و درنهایت به مفهوم واقعی پیشرفت و توسعه نائل گردد. لذا با توجه به تحقیقات مختلف صورت گرفته در مورد کلاس‌های چندپایه و اهمیت ارزشیابی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه بر پایه توسعه حرفه‌ای معلمان لذا این مسئله مطرح می‌شود که چه ویژگی‌های شامل مؤلفه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان در کلاس‌های چندپایه از دیدگاه آموزگاران می‌شود ؟لذا پژوهشگر به

دنبال پاسخ به این سؤال است تا با جمع‌آوری اطلاعات کافی و استفاده از پیشینه تحقیقات گذشته پیشنهادات کاربردی جهت برنامه ریزان آموزشی ارائه نماید.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از حیث روش گردآوری داده‌ها، یک پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی (زمینه یاب) است. جامعه آماری پژوهش را کلیه آموزگاران دارای سابقه تدریس در کلاس‌های چندپایه دوره ابتدایی مناطق تشکیل دادند. با توجه به ماهیت موضوع و لزوم برخورداری مشارکت‌کنندگان از تجربه زیسته در کلاس‌های چندپایه، تعداد ۱۰۰ نفر از این آموزگاران با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند (مبتنی بر ملاک‌های ورود نظیر داشتن حداقل ۳ سال سابقه تدریس در کلاس چندپایه و تمایل به همکاری) به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق ساخته مؤلفه‌های توسعه حرفه‌ای مشتمل بر ۲۰ گویه در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) بود که چهار بُعد «مهارت کلامی»، «مهارت غیرکلامی»، «مهارت بازخورد» و «مهارت خودافشایی» را موردسنجش قرارداد. روایی صوری و محتوایی ابزار با نظرخواهی از اساتید و صاحب‌نظران حوزه علوم تربیتی بررسی و تائید شد و پایایی آن نیز با اجرای مقدماتی و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، معادل ۰/۸۱ به دست آمد که نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب پرسش‌نامه است. درنهایت، تجزیه‌وتحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی با بهره‌گیری از **آزمون تی تک‌نمونه‌ای (One-Sample t-test)** به‌منظور مقایسه میانگین تجربی مؤلفه‌ها با میانگین نظری ملاک (عدد ۳) در محیط نرم‌افزار SPSS انجام پذیرفت.

یافته‌ها

جدول ۱. تأثیر مهارت کلامی معلمان بر آموزش دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری	اختلاف میانگین
مهارت کلامی	۴/۷۸	۰/۴۱۵	۵۴/۱۶۸	۰/۰۰۱	۲/۸۶۸

مقدار میانگین ۴/۷۸ از ۵ بیانگر تأثیر بسیار بالای تأثیر مهارت کلامی معلمان بر یادگیری دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه است. محاسبه اختلاف میانگین ۲/۸۶ نشان می‌دهد که از میانگین (۲/۵) بالاتر است. انحراف معیار ۰/۴۱ نشان می‌دهد که بین دیدگاه معلمان چندپایه (نمونه آماری) در خصوص مؤلفه مهارت کلامی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان در حداقل ممکن است. مقدار t محاسبه‌شده (۵۴/۱۶۸) نشان می‌دهد که میزان این تأثیر با توجه به میانگین ۴/۷۸ از ۵ درصد سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد ($p<۰/۰۰۱$) معنادار است.

جدول ۲. تأثیر مهارت غیرکلامی معلمان بر یادگیری دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری	اختلاف میانگین
مهارت غیرکلامی	۴/۱۵	۰/۳۶۴	۷۳/۳۳	۰/۰۰۱	۱/۳۵۳

مقدار میانگین ۴/۱۵ از ۵ بیانگر بالا بودن تأثیر مهارت غیرکلامی معلمان بر یادگیری دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه از دیدگاه معلمان است. اختلاف میانگین دیدگاه معلمان از میانگین نشان می‌دهد که تأثیر این مؤلفه در حد بسیار زیادی است. انحراف معیار ۰/۳۶ نشان می‌دهد که میزان تفاوت دیدگاه معلمان چندپایه در حد بسیار کم است. t محاسبه‌شده (۷۳/۳۳) نشان می‌دهد که تأثیر این مؤلفه از توسعه حرفه‌ای معلمان در سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد ($p<۰/۰۰۱$) معنادار می‌باشد؛ بنابراین فرض تحقیق تائید و فرض صفر رد می‌شود.

جدول ۳. تأثیر مؤلفه مهارت بازخورد توسعه حرفه‌ای معلمان بر یادگیری دانش‌آموزان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری	اختلاف میانگین
مؤلفه مهارت بازخورد	۴/۴۱	۰/۳۹۹	۶۴/۰۱	۰/۰۰۱	۲/۳۱۲

مقدار میانگین ۴/۸۱ از ۵ نشان می‌دهد که تأثیر مؤلفه مهارت بازخورد در حد بسیار زیادی است. به گونه ای که ۲/۳۱۲ از میانگین به بالاتر است (۴/۸۱-۲/۵=۲/۳۱) انحراف معیار ۰/۳۹ نشان‌دهنده بسیار پایین بین نظرات معلمان چندپایه در خصوص تأثیر مؤلفه مهارت بازخورد است. t محاسبه‌شده (۶۴/۰۱) در سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد (p<۰/۰۰۱) معنادار است و نشان می‌دهد که تأثیر این مؤلفه معنادار می‌باشد؛ بنابراین فرضیه تحقیق تائید و فرضیه صفر رد می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر مؤلفه بازخورد از مؤلفه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان بر یادگیری دانش‌آموزان تأثیر دارد.

جدول ۲. تأثیر مهارت خود افشایی معلمان بر یادگیری دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه از دیدگاه گروه نمونه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری	اختلاف میانگین
مهارت خود افشایی	۴/۱۵	۰/۳۶۴	۷۳/۳۳	۰/۰۰۱	۱/۳۵۳

مقدار میانگین ۴/۱۵ از ۵ بیانگر بالا بودن تأثیر مهارت خود افشایی معلمان بر یادگیری دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه از دیدگاه معلمان است. اختلاف میانگین دیدگاه معلمان از میانگین نشان می‌دهد که تأثیر این مؤلفه در حد بسیار زیادی است. انحراف معیار ۰/۳۶ نشان می‌دهد که میزان تفاوت دیدگاه معلمان چندپایه در حد بسیار کم است. t محاسبه‌شده (۷۳/۳۳) نشان می‌دهد که تأثیر مؤلفه بازخورد از توسعه حرفه‌ای معلمان در سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد (p<۰/۰۰۱) معنادار می‌باشد؛ بنابراین فرض تحقیق تائید و فرض صفر رد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی و اعتبارسنجی مؤلفه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان در کلاس‌های چندپایه دوره ابتدایی (در بستر نظام ارزشیابی توصیفی) در استان آذربایجان غربی بود. تحلیل یافته‌های حاصل از آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان داد که از دیدگاه آموزگاران باسابقه در این کلاس‌ها، تمامی مؤلفه‌های شناسایی‌شده (مهارت‌های کلامی، غیرکلامی، ارائه بازخورد و خودافشایی) با میانگینی معنادار و بالاتر از سطح ملاک، به‌عنوان ابعاد حیاتی و اثربخش در پیشبرد یادگیری دانش‌آموزان مورد تائید قرار گرفتند. این یافته با نتایج پژوهش‌های بخت‌آزمای بخشایش (۱۳۹۳)، حامدی (۱۳۸۸)، حسنی و احمدی (۱۳۸۶)، دستجردی (۱۳۸۹)، نادری (۱۳۸۸) و خوش‌خلق و شریفی (۱۳۸۶) هم‌خوانی دارد. در تبیین این همسویی می‌توان استدلال کرد که کلاس‌های چندپایه همواره با چالش‌هایی چون تراکم، ناهمگونی سنی و محدودیت شدید زمان تدریس مواجه‌اند؛ در چنین بافتی، تسلط معلم بر مهارت‌های ارتباطی و بازخوردهای توصیفیِ هدفمند، بار شناختی کلاس را تعدیل کرده و از طریق تعامل مؤثر، خلأ ناشی از کمبود زمان تدریس مستقیم را جبران می‌نماید.

در جمع‌بندی نهایی، توسعه حرفه‌ای آموزگاران در این مؤلفه‌ها بستر مناسبی برای تحقق اهداف ارزشیابی توصیفی و تعمیق یادگیری در مدارس روستایی فراهم می‌سازد. بر این اساس، پیشنهادهای کاربردی زیر توصیه می‌گردد: نخست، طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی و ضمن خدمت کاربردی و پیوسته توسط آموزش‌وپرورش استان به‌منظور توانمندسازی عملی معلمان کلاس‌های چندپایه در زمینه تکنیک‌های ارتباط کلاسی و مهارت‌های بازخورد توصیفی بهنگام. دوم، ایجاد سازوکارهای حمایتی و انگیزشی ویژه برای تثبیت آموزگاران مجرب در این مناطق، متناسب‌سازی منابع آموزشی با بوم روستا، و در صورت فراهم بودن زیرساخت‌ها، تفکیک پایه‌ها یا بهره‌گیری از رویکردهای همیارمعلم جهت کاهش بار کلاسی و ارتقای کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری.

منابع

- آئین‌نامه امتحانات دبستان‌ها. (۱۳۳۴). مصوب جلسه ۹۰۱ شورای عالی فرهنگ، به تاریخ ۲۲/۱۱/۱۳۳۴ (پیوست قانون راجع به آموزش‌وپرورش عمومی و اجباری و مجانی، مصوب ۶ مرداد ۱۳۲۲).
- اسدی، ع. (۱۳۷۷). بررسی مشکلات روش‌های تدریس همیاری و فعّال در کلاس‌های چندپایه. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۴(۳)، ۱۰-۱.
- بخت‌آزمای بخشایش، م. (۱۳۹۳). بررسی راهکارهای بهبود کیفیت آموزشی در کلاس‌های چندپایه در منطقه هریس آذربایجان شرقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز/اهر.
- حامدی، م. (۱۳۸۸). بررسی مشکلات کلاس‌های چندپایه. همایش منطقه‌ای هفته گرامیداشت مقام معلم، آموزش‌وپرورش استان آذربایجان غربی.
- حیدری، ح. (۱۳۸۷). بررسی مشکلات کلاس‌های چندپایه. مجله پیوند، (۳۴۸)، ۱۵.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش‌وپرورش. (۱۳۷۶). نظام‌های آموزشی جهان با تأکید بر امتحانات و شرایط ارتقاء. انتشارات مدرسه.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش‌وپرورش. (۱۳۹۰). مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش‌وپرورش (ویژه مدارس). انتشارات مدرسه.
- رابینز، استیفن پی. (۱۳۹۵). تئوری سازمان: ساختار، طراحی، کاربردها (ترجمه س. م. الوانی و ح. دانایی‌فرد؛ ویراست ۵). نشر صفر.
- رستگار، ط. (۱۳۸۲). ارزشیابی در خدمت آموزش (چاپ اول). مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- رئوف، ع. (۱۳۹۶). جنبش جهانی برای بهسازی تربیت معلم. انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۳۹۰). راهنمای معلم در ارزشیابی توصیفی (چاپ سوم). اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
- شعبانی، ح. (۱۳۹۱). مهارت‌های آموزشی و پرورشی: روش‌ها و فنون تدریس (جلد اول). انتشارات سمت.
- طاهری، م.، عارفی، م.، پرداختچی، م. ح.، و قهرمانی، م. (۱۳۹۲). کاوش فرایند توسعه حرفه‌ای معلمان در مراکز تربیت معلم: نظریه داده‌بنیاد. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۲(۴۵)، ۱۴۹–۱۷۶.
- عبدالهی، ب.، و صفری، ا. (۱۳۹۵). بررسی موانع اساسی فرا روی رشد حرفه‌ای معلمان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۵(۵۸)، ۱۱–۳۹.
- عصاره، ع.، و رزی، ج. (۱۳۹۳). توسعه حرفه‌ای معلمان: استلزامات، زمینه‌ها، راهبردها و عوامل [مقاله ارائه‌شده]. نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روانشناسی، مرودشت، ایران. ۱–۱۳.
- عصاره، ع.، و ورز، ج. (۱۳۹۳). بررسی روش ارزشیابی توصیفی دانش‌آموزان دوره ابتدایی کلاس‌های چندپایه.کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول/اهواز.
- قنبری، س. (۱۳۹۳). شاخص‌های توسعه حرفه‌ای معلمان در هزاره سوم [مقاله ارائه‌شده]. همایش ملی آموزش‌وپرورش و توسعه پایدار.
- معیری، م. ط. (۱۳۷۷). مسائل آموزش‌وپرورش ایران. انتشارات امیرکبیر.
- نعمت‌اللهی، ر. (۱۳۹۰). آموزش ابتدایی و کلاس‌های چندپایه. همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی، سالن همایش‌های ملی، تهران، ایران.